

## مصائب میهمانداری در نوروز

یکی از مشکلاتی که عید نوروز با خود به همراه دارد میهمانداری است. البته مقصودم دید و بازدیدهای یک تا چهار- پنج ساعته عید است که می‌توانند عذاب‌آور و خالی از لطف باشند نیست، بلکه مقصودم آن دیدی است که 14 روز طول می‌کشد و بازدیدی هم ندارد. اجازه بدهید کمی روشن‌تر صحبت کنم.



یکی از مشکلاتی که عید نوروز با خود به همراه دارد میهمانداری است. البته مقصودم دید و بازدیدهای یک تا چهار- پنج ساعته عید است که می‌توانند عذاب‌آور و خالی از لطف باشند نیست، بلکه مقصودم آن دیدی است که 14 روز طول می‌کشد و بازدیدی هم ندارد. اجازه بدهید کمی روشن‌تر صحبت کنم.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از مجله سپیده دانایی، بسیاری از خانواده‌های ایرانی تعطیلات نوروز را فرصتی مغتنم می‌دانند و برای دیدار با اقوام و آشنایان خود به شهرستان سفر می‌کنند. از آنجایی که ما ایرانیان هم به میهمان‌نوازی معروف هستیم، از این مسافران نوروزی استقبال می‌کنیم. اما نکته‌ای که شاید مورد توجه قرار نگیرد این است که صرف داشتن رسمی به نام دید و بازدید و این‌که ما ملتی میهمان‌نواز هستیم به ما اجازه نمی‌دهد تا بدون برنامه ریزی قبلی، به طور نامحدود و براساس یک عادت قدیمی عزم سفر کنیم و اصطلاحاً از خودمان دعوت به عمل بیاوریم. افراد و خانواده‌هایی که باید در نقش میزبان حاضر شوند احتمالاً از دردسرهای این میهمانداری طولانی‌مدت آگاه هستند، اما برای کسانی که نقش میهمان را ایفا می‌کنند، شاید اندکی نیاز به شفاف‌سازی باشد.

### مصائب میهمانداری

قبل از این‌که به بررسی مشکلات پذیرایی طولانی‌مدت از میهمانان -ویژه از نوع ناخوانده‌اش - بپردازم لازم است بگویم که من شخصاً از میهمانداری بدم نمی‌آید، به شرط آن‌که از شرایط، امکانات و توان کافی برای پذیرایی از میهمان برخوردار باشیم. در واقع، معتقدم که میهمان برکت خانه است و حبیب خدا و معاشرت با دیگران برای روحیه انسان بسیار ضروری است. اما همچنین بر این باورم که میهمان تا سه روز عزیز است و «میهمان اگرچه عزیز است ولیکن چون نفس - خفه می‌سازد اگر آید و بیرون نرود».

### مشکل کمبود جا

زندگی شهری امروزه مشخصه‌های بی‌شماری دارد که یکی از آنها آپارتمان‌نشینی است، به طوری که بسیاری از خانواده‌ها به ویژه در کلان‌شهرها در آپارتمان‌های غالباً نقلی و کوچک زندگی می‌کنند. حال تصور کنید که در ایام تعطیل نوروز که تمامی اعضای خانواده اغلب ساعات را در منزل سپری می‌کنند، برایشان میهمان بیاید. در چنین حالتی فضای محدود خانه باید بین افراد بیشتری تقسیم شود و میهمان و میزبان در همه چیز از اتاق خواب و کمد گرفته تا حمام و دستشویی با هم شریک شوند. در عین حال، به علت حضور جمعیت بیشتر در یک فضای محدود، اغلب حریم خصوصی افراد رعایت نخواهد شد که در این بین به علت خصلت میهمان‌نواز بودن ما ایرانی‌ها این رعایت نشدن حریم خصوصی بیشتر درباره میزبان اتفاق می‌افتد تا میهمان.

### تفاوت خلق و روحیه

به طور عادی روحیه تک‌تک اعضای خانواده متفاوت با همدیگر است، تفاوتی که احتمالاً اعضا به تدریج به آن خو گرفته‌اند. برای مثال، پدر خانواده - به خصوص بعد از آمدن از سر کار- ساکت و آرام است. مادر همیشه اضطراب دارد. پسر نوجوان

خانواده دائماً سر به سر بقیه می‌گذارد و دختر جوان خانواده اندکی افسرده است. همان‌طور که گفتم، به تدریج اعضای خانواده در ارتباط با خلیات یکدیگر به یک نوع سازگاری رسیده‌اند، اما هنگامی که برای این خانواده فرضی میهمان برسد - به ویژه اگر میهمانان متعلق به یک یا دو نسل قبل باشند - آن‌گاه سیل نصیحت، توصیه و ایراد سرازیر می‌شود:

احمد آقا چقدر ساکتی؟ بابا ناسلامتی عیده‌ها! یه حرفی، جوکی، چیزی؟

بچه چقدر می‌خندی؟ بهت یاد ندادن جلوی بزرگ‌تر نباید خندید؟ پاشو برو سر درس و مشقت.

دختر، خوب نیست اون قدر بشینی یه جا فکر و خیال کنی. پاشو برو به مادرت کمک کن.

## تفاوت عادت

در اینجا هم مثل مورد قبلی بین اعضای خانواده از نظر عادت و رفتار تفاوت‌هایی وجود دارد که احتمالاً اعضا درباره آن به سازگاری رسیده‌اند. اما هنگامی که برای خانواده میهمان می‌آید، با این پیش‌فرض که احترام به میهمان واجب است، اعضا مجبور خواهند بود عادات قبلی خود را هرچند موقتاً کنار بگذارند که همین امر باعث به هم خوردن تعادل و سازگاری بین آنها و ایجاد استرس، کلافگی و تنش می‌شود. بچه کوچکی را در نظر بگیرید که اگر شب‌ها با عروسک یا لحاف محبوبش بخوابد، خوابش نمی‌برد. حال این بچه کوچک به خاطر رسیدن عموزاده‌ها مجبور است نه تنها از عروسک یا لحاف محبوبش بگذرد، بلکه باید روی زمین یا کاناپه و با ناراحتی بخوابد. نتیجه اینکه صبح روز بعد وی کسل و بدخلق می‌شود و این بدخلقی که در رفتارش نیز مشهود است، باعث ناراحتی و عصبانیت والدین می‌شود و الی آخر.

## مشغولیت دائم خانم خانه

به طور کلی آشپزی از جمله وظایف هر خانمی است. به طور عادی در یک خانواده حداقل سه نفره به اندازه کافی سلیقه و عادات غذایی متفاوت وجود دارد. حال تصور کنید که خانم خانه قرار باشد نه تنها برای اعضای خانواده خود، بلکه مطابق سلیقه میهمانان خود هم غذا بپزد. در ضمن این را هم در نظر بگیرید که به هر حال یک عده صبح‌ها دیرتر از خواب بیدار می‌شوند که نتیجه آن جمع نشدن سفره صبحانه تا ساعتی از صبح و یا نخوردن صبحانه و در نتیجه گرسنگی پیش از موعد ناهار است. برخی ممکن است ناهار را کمتر بخورند و بعد عصرانه بخواهند یا اینکه ترجیح دهند شام را زودتر بخورند. عده‌ای هم ممکن است تا حاضر شدن شام آن‌قدر تنقلات میل کنند که وقتی غذا حاضر شد، دیگر اشتهای شام خوردن نداشته باشند. در ضمن عده‌ای هم ممکن است از خوردن «نصف‌النهار» یا غذای مانده از ظهر دل خوشی نداشته باشند. یک حساب سرانگشتی احتمالاً شما را هم به این نتیجه می‌رساند که آشپزخانه این منزل هرگز تعطیلی ندارد. البته تا فراموش نکرده‌ام اضافه کنم که در کنار این پخت و پز دائم، مسئله شستن ظرف‌ها، مرتب کردن اتاق‌ها، آشپزخانه، نظافت و گردگیری و... را هم نباید فراموش کرد و همه اینها در شرایطی اتفاق می‌افتد که خانم خانه هنوز خستگی خانه‌تکانی و دوندگی قبل از عید را از تن بیرون نکرده است و در تعطیلات هم فرصتی برای استراحت پیدا نمی‌کند.

## مسائل مالی

شما که غریبه نیستید، شب عید که می‌شود، همه اجناس به ویژه آجیل، میوه و شیرینی کمی گران می‌شود که البته این در مورد اجناس با کیفیت معمولی است و اگر جنس عالی درخور میهمانان خود بخواهید، که خیلی بیش از اینها می‌شود. به طور معمول هر خانواده طوری خرید می‌کند که متناسب با میهمانانی که برای بازدید به منزل می‌آیند، آمادگی پذیرایی داشته باشند. حال اگر قرار باشد که این خانواده در تمام طول تعطیلات میهمانداری کنند، باید نه تنها برای پذیرایی از این میهمانان، بلکه برای پذیرایی از میهمانان آنها و نیز کسانی که برای دیدن خود این خانواده مراجعه می‌کنند هم آمادگی داشته باشند و این به معنای حداقل دو برابر شدن هزینه‌های این خانواده است.

به هم ریختن برنامه‌های خانواده

معمولاً هر خانواده‌ای برای گذران تعطیلات خود، آن هم به نحو احسن، برنامه‌هایی دارد که اگر مسافرت کردن در بین آنها نباشد، پذیرایی چهارده ساعته از میهمان هم در آن نمی‌گنجد. اما وقتی که برای آنها میهمان - چه ناخوانده و چه خوانده از سر رود بایستی - برسد، همه این برنامه‌ها تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و برای همه به ویژه فرزندان دلخوری و ناراحتی ایجاد می‌کند.

از این مسائل و به زعم من، ددرسرها اگر زیاد نباشد، کم هم نیست، اما در حوصله این مطلب نمی‌گنجد. هنگامی که نوشتن این مطلب را آغاز کردم، هدفم این بود که با همه کسانی که طی تعطیلات ناگزیر از پذیرایی از میهمانان ناخوانده هستند همدردی کنم و حتی برای دلخوشی آنها با بیان قصه «میهمان ناخوانده» این امیدواری را به آنها بدهم که شاید میهمانان آنها هم خودشان دست به کار شوند و بخشی از کارها را انجام دهند. در آخر هم قصد داشتم راهکارهایی به آنها ارائه دهم که هر قدر فکر کردم جز چند راهکار خبیثانه مثل جواب ندادن به تلفن‌هایی با کد شهرستان، نصب آیفون تصویری و باز نکردن در به روی میهمانان، گذاشتن پیامی روی پیغام‌گیر مبنی بر اینکه شما از 15 اسفند تا 15 فروردین مسافرت هستید و... چیزی به نظرم نرسید. حتماً شما هم قبول دارید که این راهکارها با گروه خونی ایرانی‌ها که به میهمان‌نوازی معروف شده‌اند، جور در نمی‌آید. نتیجه اینکه تصمیم گرفتم که جای آن چند خواهش دوستانه از عزیزی که قصد میهمان شدن دارند و از همین حالا در تدارک تهیه بلیت و بستن چمدان هستند بکنم:

1 پیش از هر چیز از شرایط میزبان خود آگاه باشید و مطمئن باشید که آمادگی پذیرایی از شما را دارند و با طیب خاطر این کار را انجام می‌دهند.

2 حتی‌الامکان مدت سفر خود را طوری تنظیم کنید که به میزبانان خود نیز اجازه استراحت و لذت بردن از تعطیلات بدهید.

3 اگر بچه کوچک دارید، مراقب وی باشید و حتی‌الامکان جلوی شیطنتها و ریخت‌وپاش‌هایش را بگیرید.

4 اگر میزبان هم بچه کوچک دارد، برای اینکه حداقل چند ساعتی در خانه آرامش برقرار باشد، پیشنهاد بدهید که بچه‌ها را با خودتان به گردش ببرید.

5 در انجام امور منزل کمک کنید.

6 بدون این‌که بحث مسائل مالی را پیش بکشید، گاهی شما میزبانان خود را به شام یا نهار دعوت کنید. بدین‌ترتیب، هم در خرج کردن شریک شده‌اید و هم فرصت استراحتی در اختیار خانم قرار داده‌اید.

7 اگر می‌دانید که عده‌ای از اقوام، آشنایان و یا دوستان به دیدن شما خواهند آمد، دوستانه از آنها بخواهید که زودتر یا دیرتر از زمان معینی به دیدن شما نیایند و طولانی‌مدت هم نمانند. اگر هم اصرار بر دیدارهای طولانی است، می‌توانید از آنها برای شام یا نهار در یک رستوران دعوت کنید.

8 علی‌رغم این‌که هیچ‌چیز نمی‌تواند زحمات میزبان شما را جبران کند، شاید یک‌بار تشکر در روز از خستگی میزبانان شما بکاهد.

9 حتی‌الامکان سعی کنید که شما خود را با شرایط میزبانان هماهنگ کنید، نه برعکس.

10 اگر امسال شما میهمان هستید، فراموش نکنید که برای سال بعد از میزبان خود دعوت کنید تا میهمان شما باشند.

سخن به درازا کشید. فقط این را هم بگویم که آنچه من نوشته‌ام شاید درباره قشر خاصی از افراد صادق باشد و عده‌ای هم مثل پیرزن همیشه تنهای قصه ما در آرزوی داشتن میهمان و پذیرایی از آنها باشند و یا این‌که برخی از میهمان‌ها حتی از اعضای خانواده هم عزیزتر باشند. به هر حال مهم این است که در هر نقشی که هستیم و در هر شرایط و موقعیتی اگر نحوه تعامل را بیاموزیم، زندگی را ساده‌تر بگیریم و سطح توقعات خود را پایین بیاوریم، می‌توانیم از حضور در کنار یکدیگر لذت ببریم.